

«مطالعات جامعه‌شناسی»

سال سوم، شماره یازدهم، تابستان ۱۳۹۰

ص ص ۶۸-۵۱

بررسی میزان احساس شادی زنان جوان (۲۴-۱۵) ساله شهر

اصفهان با تأکید بر میزان برخورداری از حقوق شهروندی

اعظم ابراهیم نجف‌آبادی^۱

دکتر عزت‌الله سام‌آرام^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱/۲۸

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۲/۱/۳۱

چکیده

شناخت شادی به گونه‌ای علمی، آکادمیک و عمیق، بدلیل تأثیرات فراوان آن در زندگی بشر، ضرورتی انکارناپذیر و مسلم درجهان امروز است و زمینه‌های مطالعاتی و پژوهشی فراوانی را می‌طلبد. هدف از این تحقیق بررسی تأثیر میزان برخورداری از حقوق شهروندی بر میزان احساس شادی زنان جوان (۱۵-۲۴) ساله شهر اصفهان است. روش مورد استفاده در این پژوهش، پیمایشی است. هم‌چنین ابزارسنجش در این پژوهش، پرسشنامه بوده و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری spss انجام شده است. میانگین احساس شادی در بین زنان جوان (۱۵-۲۴) شهر اصفهان ۵۴/۵۳ بوده که به ترتیب بعد احساسی، بعد اجتماعی و سپس بعد شناختی بیشترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند. میانگین برخورداری از حقوق شهروندی در بین زنان جوان شهر اصفهان، ۵۷/۶۸ بوده است که میانگین بعد احقاقی حقوق شهروندی ۵۱/۶۱ با انحراف استاندارد ۱۸/۷۱ است و میانگین بعد احساسی آن ۵۲/۷۲ با انحراف استاندارد ۱۵/۹۳ می‌باشد بطوری که نابرابری در احقاق حقوق بیشتر از احساس آن در زنان جوان است. در رابطه برخورداری از حقوق شهروندی و شادی ارتباطی مستقیم است. بطوری که در این رابطه، برخورداری از حقوق شهروندی ابتدا با بعد شناختی و سپس با بعد احساسی و در نهایت با بعد اجتماعی شادی قوی‌تر است. واژگان کلیدی: احساس شادی، زنان جوان، برخورداری از حقوق شهروندی.

۱. کارشناس ارشد مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، مدرس دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول).

E-mail: a_ebra2004@yahoo.com

۲. دکتری مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

مقدمه

شهروندی ریشه در دولت شهرهای سومر، یونان و رم باستان دارد و اولین تلاش منظم برای توسعه نظریه شهروندی را ارسطو انجام داده است. مطابق با تعریف ارسطو «شهروند هم باید حکمروایی و هم فرمانبرداری کند.» لذا در نمونه آتنی در قرن ۵ تا چهار دهه قبل از میلاد، مشارکت سیاسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. علاوه بر آن آتنی‌ها اهمیت مبنای مادی شهروندی را به خوبی تشخیص داده و فقر را مانعی برای آن قلمداد می‌کردند. با وجودی که آزادی فضیلت مدنی محسوب می‌شد اما شهروندی در دولت شهرهای آتن تا حد زیادی انحصاری بود و زنان و بردگان، بربرها و بیگانگان را شامل نمی‌شد. در رم، مفهوم شهروندی دستخوش تغییراتی شد و به طور قابل توجهی به جمعیت خارج از دولت-شهر نیز گسترش یافت. در قرون وسطی اهمیت شهروندی بیشتر کاهش یافت و شهروندی حالت سلسله مراتبی به خود گرفت و حتی حقوق شهروندان مطابق با مالکیت و دارایی تغییر کرد. اما با آغاز رنسانس در اروپا و تغییرات عمیق سیاسی-اجتماعی، پیدایش ملت‌ها، توسعه علوم و فنون و ظهور متفکران و مصلحان اجتماعی، زمینه مشارکت مردم در سرنوشت خودشان به وجود آمد و حکومت‌های دموکراتیک راه را برای ظهور حقوق شهروندی و توجه بیشتر به آن تسهیل نمودند. در قرن ۱۸ و ۱۹ توسعه تفکر لیبرالیسم مبتنی بر آراء هابز^۱ و لاک^۲، توسعه اقتصاد پولی پدیده آمده، تعادل نیروهای اجتماعی در دولت مدرن دگرگون شد و منطق مساوات‌طلبی و توجه به رفع نیازهای مادی شهروندان توسط دولت و ملت برقرار کرد و در نیمه قرن ۲۰ توسعه حقوق اجتماعی به شکل دولت رفاه نمود یافت و در دهه‌های اخیر، ایده شهروندی به فراسوی دولت-ملت^۳ بسط یافته و در آراء برخی متفکران سیاسی و علمای اجتماعی به مفهوم و ایده جهانی تبدیل شده است (شیانی، ۱۳۸۱: ۱۲). و همچنین در بررسی متغیر دیگر این تحقیق یعنی شادی باید گفت: یکی از مهم‌ترین هیجانانگیزترین خوشایند و مثبت، شادی است که به دلیل تأثیرات فراوان آن، بسیاری از ملل به نوعی در صدد ایجاد جامعه شاد هستند. زیرا شادی به عنوان نتیجه شرایط مطلوب اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه، فعالیت‌های مفید انسانی را برمی‌انگیزد، خلاقیت را تقویت می‌کند، روابط اجتماعی را تسهیل می‌کند، مشارکت سیاسی-اجتماعی را رونق می‌بخشد، موجبات حفظ سلامتی عاطفی، روانی، جسمی و امیدواری را فراهم می‌کند (آل یاسین، ۱۳۸۰: ۸)، احساس امنیت، آرامش و قدرت تصمیم‌گیری را در افراد تقویت می‌کند (Mayers, 2000: 56)، و احساس نزدیکی به دیگران (علاقمندی)، احساس دوست داشتن، احساس اعتماد و کیفیت تعامل با دیگران را موجب می‌شود (آرگایل، ۱۳۸۳: ۳۲۸). پیامدهای این هیجان چنان در جامعه بارز و آشکار است که مزلو، یکی از نظریه‌پردازان مشهور در حوزه روابط انسانی، مؤلفه و شاخصه‌ی اصلی انسان‌هایی که در راستای خود شکوفایی، کمال و توان‌مندی‌های

1. Hobbs

2. Locke

3. Nation- State

خویش تلاش می‌کنند را، احساس شادی آنان می‌داند. بطوری که کمبود و فقدان آن، افسردگی، بدبینی و ارزیابی منفی از رویدادها، بی‌علاقگی به اجتماع و کار، کمرنگ شدن وجدان کاری، ناهنجاری‌های اجتماعی، رواج خشونت در روابط اجتماعی و ... را به بار می‌آورد (طاهریان، ۱۳۸۱: ۴).

از آن‌جا که شادی از یک سو متأثر از ساختارهای متعدد جامعه بوده و از سوی دیگر تأثیرگذار بر فرایند توسعه و تعالی جامعه است، در نیمه قرن ۲۰ بعنوان یکی از موضوعات مورد بررسی روان‌شناسان و برخی جامعه‌شناسان و اقتصاددانان مطرح شده و در این راستا برخی مطالعات فراملیتی نیز به انجام رسیده است. به طوری که بر اساس پژوهشی در سطح بین‌المللی از سال ۲۰۰۵-۱۹۹۵ سطح شادی در دامنه تغییرات ۱۰-۰ در ایران ۶، انحراف معیار (نابرابری شادی) آن برابر ۲/۷ و رتبه ایران در بین ۹۵ کشور مورد مطالعه ۵۱-۵۳ بوده است (WDH: Word Database of Happiness. Eur. IN. Rank Report, 2006). بنابراین لزوم توجه به این پدیده و مطالعه بافت‌های اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر آن در ایران، ضرورت می‌یابد و از آن‌جا که مطالعه کل جامعه، گستره وسیعی از امکانات، توانایی‌ها و فرصت‌ها را می‌طلبد، به دلیل فقدان این امکانات و همچنین افزایش ژرفای مطالعاتی و پژوهشی در سطح خردتر و به ویژه در شهرهایی که دارای ویژگی‌هایی خاص به لحاظ فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی (همانند اصفهان) هستند، ضرورتی ویژه می‌یابد.

همچنان که برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند در شهر اصفهان روند توسعه تا حدی نامتوازن، ناپدار و یک سوپه است و توجه کم به ابعاد اجتماعی توسعه و کمرنگ بودن راهبردهای عدالت توزیعی در جریان رشد اقتصادی و مقوله برابری در فرآیند توسعه موجب شده است که در عین ایجاد و بهبود امکانات، ظرفیت‌های اجتماعی به همان اندازه توسعه پیدا نکند و شهر اصفهان به لحاظ دارا بودن سرمایه اجتماعی در بین شهرهای استان رتبه آخر را به خود اختصاص دهد (اسماعیلی، ۱۳۸۵: ۴۰۵-۴۰۳)، و میزان بالایی از نابرابری اجتماعی و احساس نابرابری نیز در بین شهروندان به وجود آید، به طوری که در راستای مقوله نابرابری ۴۷/۱ درصد شهروندان در معرض نابرابری اقتصادی بالا و بسیار بالا، ۶۴/۵ درصد در معرض نابرابری سیاسی بالا، ۵۶/۶ درصد دارای نابرابری جنسیتی بالا و بسیار بالا و ۲۹/۳ درصد نیز در معرض نابرابری و تبعیض شغلی بالا و بسیار بالا قرار دارند (همان). توسعه فرایندی چندبعدی است که دارای ابعاد گوناگونی است و هدف از توسعه رسیدن به وضعیتی است که در آن ضمن افزایش منابع ارزش‌مند جامعه، دسترسی اکثریت جامعه به آن منابع افزایش پیدا کند و امکان استفاده شهروندان از آن منابع، امکانات و فرصت‌ها نیز مهیا شود. به طوری که براساس مجموعه مباحث انواع توسعه و شادی از دیدگاه اندیشمندان، دسترسی عادلانه و استفاده از منابع و امکانات متعدد در یک جامعه می‌تواند نقش عمده‌ای در ایجاد هیجانانگیز و خوشایند به ویژه شادی در افراد جامعه (شهروندان) داشته باشد. از این منظر شهروندی موقعیتی است

اجتماعی و انسانی که در آن برخورداری از حقوق و پذیرش تکالیف در ازای آن نهفته است و آن برخورداری و احساس قدرت در تحصیل انواع حقوق می‌تواند، احساس رضایت را در اشخاص ایجاد نماید.

بنابراین پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال‌ها است که:

- شادی زنان جوان (۱۵-۲۴) ساله شهر اصفهان به چه میزان است؟
- چه راهکارهایی می‌توان در جهت ارتقاء و تقویت احساس شادی جامعه مورد مطالعه، ارائه داد؟
- آیا میزان برخورداری از حقوق شهروندی بر میزان احساس شادی زنان جوان (۱۵-۲۴) ساله شهر اصفهان تأثیر می‌گذارد؟

اهداف تحقیق

هدف کلی

بررسی تأثیر میزان برخورداری از حقوق شهروندی بر میزان احساس شادی زنان جوان (۱۵-۲۴) ساله شهر اصفهان

اهداف جزئی

تعیین میزان احساس شادی زنان جوان (۱۵-۲۴) ساله شهر اصفهان.

مبانی نظری

تقسیم‌بندی انواع حقوق شهروندی از دیدگاه اندیشمندان

توماس هابز، هدف اصلی تشکیل حکومت و جامعه مدنی را تأمین امنیت شهروندان می‌داند و معتقد است حاکم باید آن را تضمین کند. وی همچنین بر این مدعا است که حاکم برابری شهروندان در مقابل قانون و نیز استفاده از خدمات و برخورداری از رفاه مادی را نیز باید به ارمغان آورد و چنان که دولت آن قدر ناتوان شود که نتواند حفاظت از شهروندان را تأمین کند، تعهدات شهروندان نیز در برابر دولت لغو می‌شود (عیدی، ۱۳۸۶: ۵۳-۵۲). لاک نیز همانند هابز بر طبیعت بشر تأکید می‌کند و هدف از تشکیل دولت را صلح، امنیت و رفاه مطرح می‌کند که این سه اصل از حقوق مهم اصول شهروندی است. در نزد لاک همه افراد بشر وضعیتی برابر دارند و از اقتدار و حقوقی یکسان برخوردارند. اصول حقوق شهروندی از نظر لاک، عبارتند از: حق آزادی، حق برابری، حق تسلط بر دارایی و اموال (کیانپور، ۱۳۸۵: ۶۰).

همچنین کانت^۱ با تفکیک واژه شهروند از تابع، صفاتی را ذکر می‌کند که یک فرد با دارا بودن آن دیگر نمی‌تواند تابع حکومت باشد، بلکه فرد نقش تعیین‌کننده‌ای در سازمان حکومت بازی می‌کند و به عنوان شهروند محسوب می‌شود. از نظر کانت به لحاظ حقوقی، صفات لازم و ذاتی یک شهروند عبارتند از:

^۱ Kant

آزادی قانونی: یعنی این که فرد از هیچ قانونی اطاعت نمی کند مگر قانونی که فرد با آن موافقت کرده است.

برابری مدنی: به این عنوان که هیچ گونه برتری اخلاقی برای مردم نسبت به او شناخته نمی شود که از لحاظ حقوقی موجب وابستگی او به مردم گردد. مگر این که افراد جامعه متقابلاً وابسته به او باشند. استقلال مدنی: به این عنوان که هستی و بقای او در جامعه ناشی از گزینش افراد دیگر نیست بلکه نتیجه حقوق و استعدادهای خاص او بعنوان عضو جامعه همسو است. پس در مورد حقوق اجتماعی، کسی نمی تواند نماینده و قیم شخصیت مدنی او باشد (کانت، ۱۳۸۰: ۳۱)

رولز^۱ نیز در بحث حقوق شهروندی به حقوق و آزادی فرد اولویت می دهد و معتقد است افراد باید خودشان به عنوان هدف، محترم باشند و نیابستی قربانی جمع گردند. از نظر وی، بهترین شیوه تأمین این احترام، برخورداری از تمام اصول حقوق فردی است که در برگیرنده نفع مشترک می باشد. بنابراین شهروند، فردی صاحب حقوق است که نفع شخصی خود را از میان حداقل محدودیت ها دنبال می کند. رولز به تعادل میان حمایت از حقوق فردی و مساوات طلبی از طریق حذف نابرابری اشاره می کند که منافع اجتماعی، فرصت های مناسب، درآمد و ثروت و ... که مبنای احترام به خود هستند، بایستی به طور برابر در بین افراد توزیع شوند. دیوید تیلور^۲ نیز در بحث حقوق شهروندی آن را به ارضاء نیازها پیوند می دهد و معتقد است که نیازها فقط در فرآیند توسعه فردی و اجتماعی ارضاء می شوند و اگر مفهوم شهروندی به ایده حق ارضاء نیازها (دسترسی به شرایط اجتماعی لازم) پیوند بخورد، پویا و سیاسی شده و در مواجهه با قدرت وارد عمل می شود (شیانی، ۱۳۸۱: ۱۵-۱۳).

علاوه بر تقسیم بندی انواع حقوق شهروندی در سطور فوق جانوسکی^۳ آن را به چهار دسته حقوق مدنی (امنیت شخصی، دستیابی به عدالت، آزادی و ...)، حقوق سیاسی (حق مشارکت سیاسی و حق رأی، حق اعتراض، حق تحصن، حق نقد، حق تشکیل حزب، اتحادیه، گردهمایی و ...)، حقوق مشارکتی (حق سرمایه گذاری، کاریابی و ...) و حقوق اجتماعی (حقوق بازنشستگی، بیکاری، مراقبت، بهداشتی، توانبخشی، مشاوره ای، فرصت های آموزشی و ...) تقسیم می کند (عیدی، ۱۳۸۶: ۱۶).

تی اچ مارشال^۴ نیز بر سه عنصر از حقوق شهروندی تأکید می کند:

حقوق مدنی: این گونه حقوق اشاره به حقوق قانونی افراد دارد و برای آزادی فردی ضروری است؛ که از جمله آن ها می توان به آزادی افراد برای زندگی و محل اقامت به میل و اراده خودشان، آزادی بیان، آزادی مذهب، حق مالکیت و حق دادرسی یکسان و برابر و ... اشاره کرد.

^۱. Rowls

^۲. Tylor

^۳. Janoski

^۴. Marshall

حقوق سیاسی: که اشاره به حقوق دموکراتیک دارد و از جمله آن‌ها می‌توان به حق مشارکت و اعمال قدرت سیاسی، شرکت در انتخاب کردن و ... اشاره کرد.

حقوق اجتماعی: که شامل مجموعه‌ای از حقوق حداقلی، از جمله رفاه اقتصادی، مزایای بهداشتی و درمانی، تأمین اجتماعی و خدمات رفاهی و امنیتی تا حق سهام شدن کامل در میراث اجتماعی جامعه و داشتن یک زندگی مطابق با استانداردهای مورد قبول در جامعه است (کیانپور، ۱۳۸۵: ۱۶).

در این راستا، کاستلز و دیویدسون دو نوع دیگر به طبقه‌بندی مارشال می‌افزایند، این دو نوع عبارتند از: حقوق جنسی^۱ و حقوق فرهنگی^۲. حقوق جنسی به برابری و عدالت اجتماعی بین زنان و مردان در جامعه برمی‌گردد و خواهان رفع تبعیض بین زن و مرد می‌باشد که اهم این تبعیض از نظر کاستلز و دیویدسون عبارتند از: خشونت‌های خیابانی، فقدان آموزشی و تربیت حرفه‌ای برای زنان، نگهداری از کودکان، درآمد پایین، خشونت جنسی و حقوق فرهنگی براساس حقوق اقلیت‌ها و گروه‌های اجتماعی و بر مبنای قومیت، مذهب، طبقه و ... که برخی از آن‌ها عبارتند از: دستیابی کامل به فرهنگ و زبان اکثریت، حق حفظ زبان‌ها و فرهنگ‌های اقلیت^۳، حق داشتن سنت‌ها و شیوه‌های زندگی متفاوت، برابری آموزشی و حق داشتن ارتباطات بین فرهنگی^۴ و بین‌المللی (کاستلز و دیگری، ۱۳۸۲: ۲۶۳).

در نهایت ترنر^۵ نیز با طرح منابع، معتقد است وقتی حقوق قانونی و تعهدات به عنوان موقعیت رسمی، نهادینه می‌شوند، استحقاق رسمی برای منابع کمیاب در جامعه را به مردم اعطا می‌کنند. این منابع نه تنها شامل منابع اقتصادی چون مسکن، درآمد، شغل و نظایر این‌هاست بلکه در بردارنده منابع فرهنگی و سیاسی مثل تعلیم و تربیت، حق گفتمان در حوزه عمومی و آزادی‌های بیان، زبان، مذهب، دین و ... نیز هستند. در کنار این منابع سه نوع حقوق نیز وجود دارد: حقوق اقتصادی، مربوط به نیازهای اساسی چون مسکن و غذا، حقوق فرهنگی شامل دستیابی به رفاه و تحصیلات و حقوق سیاسی مربوط به آزادی فردی و مشارکت در دستگاه‌های سیاسی (شیانی، ۱۳۸۱: ۱۸).

علاوه بر تعاریف و تقسیم‌بندی‌های انواع حقوق شهروندی از ابعاد و مناظر متعدد توسط اندیشمندان و دفاع آن‌ها از حقوق فردی و اجتماعی شهروندان از یک سو و توجه بر وظایف نهادهای حکومتی و سیاسی در ایجاد بسترهای مساعد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از سوی دیگر، همان گونه که در رویکردهای اجتماعی نیز به آن اشاره شد، ایجاد شرایط مناسب توسط نهادهای کلان حکومتی در احقاق حقوق شهروندی و دستیابی برابر و عادلانه شهروندان به امکانات اجتماعی و فرهنگی (آموزشی، پزشکی، رفاهی، شغلی و ...)، امکانات اقتصادی (درآمد و ...)، امکانات سیاسی (آزادی، امکان مشارکت سیاسی و ...)

^۱. Gender rights

^۲. Cultural rights

^۳. Minorities rights

^۴. Inner cultural

^۵. Turner

و امکانات طبیعی جامعه، در اندیشه دانشمندی چون کنت، زیمل، سن (۱۹۹۹)، ولسچ (۲۰۰۳)، وینهوون و کالمیجن (۲۰۰۵) و ... عاملی اساسی در جهت ایجاد رضایت از زندگی و احساس امنیت در جامعه به شمار می‌رود.

چارچوب نظری

شادی به لحاظ تاریخ مطالعاتی، مفهومی نوپاست و به همین دلیل ارائه تبیین‌های دقیق و نسبتاً قوی، بدلیل تنوع و تعدد مناظر، امری دست نیافتنی است. به هر روی این مفهوم از یک سو، بطور مختلف مورد تعریف واقع شده و از سوی دیگر رویکردهای متعدد هر چند سطحی در تبیین ظهور و بروز آن پا به عرصه وجود نهاده‌اند. این تنوع تئوریک نسبتاً سطحی به گونه‌ایست که امکان انتخاب یک نظریه ژرف و تقریباً مسلم و ارائه چارچوب نظری نسبتاً دقیق از عوامل همبسته با آن را از پژوهشگر سلب کرده است. در ارائه تعریف شادی باید توضیح داد که آن در پژوهش حاضر ملهم از تقسیم‌بندی وینهون جامعه‌شناس هلندی است که در این راستا او کیفیت زندگی را به دو دسته کیفیت بیرونی و درونی زندگی و رضایت از زندگی را به رضایت با دوام و زودگذر و هم‌چنین رضایت کلی و بخشی تقسیم می‌کند و به توضیحات مفصل در این زمینه می‌پردازد که در ابتدای بحث شادی مورد توجه قرار گرفته است. از سوی دیگر نظرات نظریه‌پردازانی چون برادیون، موریس، گلاتزر، ولسچ، سامنر، اوت، آرگایل و کروسلند، پل مارتین، ادینگتون و شومن و ... و به ویژه داینروساه بعنوان نظریه مکمل در ارائه شادی، مطمح نظر بوده است. بر این مبنا در پژوهش حاضر شادی را می‌توان به ارزیابی مثبت افراد از کلیت زندگی یا بخش‌های متعدد آن (رضایت از کلیت زندگی و بخش‌های آن)، بروز صفات و عواطف (احساسات) خوشایند روانی (خوشحالی، امیدواری، دلگرمی، لذت، احساس ارزش‌مندی، راحتی و آرامش ذهن، خوش‌بینی و ...) و در نهایت ظهور علائق و علائم مثبت اجتماعی در افراد تعریف کرد و از این راستا، شخص ارزیابی مثبت براساس قضاوت از زندگی خود بدست می‌آورد، احساس خوشایند و مثبت نسبت به آن پیدا می‌کند. سپس به علائم اجتماعی مثبت دست می‌زند.

رویکرد اجتماعی مورد نظر هالر و هادلر که به ساختارهای کلان و نهادی جامعه می‌پردازد (بافت اجتماعی کلان) بر این دیدگاه است که درجه توسعه یافتگی جوامع به لحاظ اجتماعی - سیاسی و حتی اقتصادی و فرهنگی بسترهای ایجاد شادی را فراهم می‌کند. بر این اساس که توسط اندیشمندی چون، ویکالمیجن، مارکس، داینرولوکاس، تکاچ و لیوبومیراسکی، وینهوون، هال و جونز، کنت، مزلو، گراهام و فلتن، توماس، زیمل و اسوالد دنبال می‌شود، هر چه شاخصه‌هایی چون عدالت و برابری، برخورداری از رفاه اقتصادی - اجتماعی و خدمات و سرویس‌های موجود در جامعه اعم از امکانات آموزشی، بهداشتی، تأمین اجتماعی، امنیت، انواع آزادی و بطور کلی دستیابی به منابع و فرصت‌ها بطور برابر و عادلانه در یک جامعه، نمود

بیشتری داشته باشد و در این راستا شهروندان بهتر بتوانند به ارضای نیازهای خود بپردازند، امکان ایجاد شادی در بین آنها بیشتر است.

روش شناسی پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش، پیمایشی بوده است. جامعه آماری این تحقیق کلیه زنان ۱۵-۲۴ ساله ساکن شهر اصفهان در سال ۱۳۸۹ هستند.

بر اساس آمار گزارش شده‌ای که وجود دارد:

تعداد زنان ۱۵-۱۹ ساله‌ی شهر اصفهان ۹۶۳۵۰ است.

تعداد زنان ۲۰-۲۴ ساله‌ی شهر اصفهان ۱۱۸۵۷۵ است.

تعداد زنان ۱۵-۱۹ ساله‌ی حومه اصفهان ۱۱۶۵۳ است.

تعداد زنان ۲۰-۲۴ ساله‌ی حومه اصفهان ۱۲۴۹۴ است.

تعداد کل زنان ۱۵-۲۴ ساله‌ی استان اصفهان ۲۳۹۰۷۲ نفر است (مرکز آمار استان اصفهان).

هم‌چنین با توجه به پراکندگی جامعه آماری در مناطق شهر اصفهان، حجم نمونه بر اساس فرمول

کوکران با خطای ۵ درصد (خطای جوابگویی) و $d=7\%$ (دقت احتمالی مطلوب)، با فرمول $N = \frac{(t^2)(pq)2}{d^2}$

۲۰۰ نفر برآورد شده است، روش نمونه‌گیری این پژوهش، از روش نمونه‌گیری متناسب در منطقه استفاده گردیده است. به طوری که نمونه‌ها از هر منطقه و متناسب با جمعیت آن منطقه انتخاب شدند.

قابل ذکر است که ابزار سنجش در این پژوهش، پرسشنامه بوده و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS نسخه ۱۱/۵ انجام شده است. به طوری که برای توصیف صفات کیفی به محاسبه درصد و توزیع فراوانی و برای توصیف صفات کمی به محاسبه شاخص‌های مرکزی و پراکندگی پرداخته شده است. در نهایت برای آزمون روابط متغیرها نیز از آزمون ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون خطی دوگانه و چندگانه، تحلیل واریانس، آزمون تفاوت میانگین‌ها، تحلیل مسیر و ... استفاده شده است.

تعریف مفاهیم و متغیرهای به کار رفته

تعریف نظری برخورداری از حقوق شهروندی (متغیر مستقل)

در ادبیات فارسی شهروندی^۱ کسی است که اهل یک شهر یا کشور باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار باشد (عیدی، ۱۳۸۶: ۷). و در لغت‌نامه آکسفورد، شهروند اشاره به حقوق و تکالیف سیاسی و قانونی عضو یک دولت - ملت یا شهرداری. بنابراین شهروندی به معنای روش زیستن در یک شهر بر طبق اصول، قواعد و قوانین خاص است، موقعیتی است که رابطه میان فرد و جامعه را پدید می‌آورد و چارچوبی است که نوع

^۱. Citoyen

تعامل اهل شهر یا شهروند را با مدیریت شهر یا با دولت و حکومت تعیین می‌نماید. امتیاز شهروندی بر دیگر هویت‌های اجتماعی در این است که گویای برابری فراگیر است و این ویژگی را در دیگر هویت‌هایی چون طبقه، قومیت و نظایر این‌ها نمی‌توان یافت. به این ترتیب اگر حقوق شهروند از سوی دولت و حکومت رعایت شود، مشارکت مردم در اداره کل زندگی شان جدی گرفته شود، مردم با حقوق خود آشنا باشند و از همه مهم‌تر راه‌های احقاق آن حقوق بدون ترس، واهمه، تبعیض و ظلم فراهم باشد و ... می‌توان گفت که پدیده شهروندی به منصف ظهور رسیده است (نقی‌زاده، ۱۳۸۱: ۳۱).

شهروندی بیش از هر هویت دیگری قادر است انگیزه سیاسی انسان‌ها را که هگل آن را نیاز به رسمیت شناخته شدن می‌نامد، ارضا نماید. شهروندی شرافت فرد را به رسمیت می‌شناسد و فرد از طریق اعمال حقوق و تعهدات، شرایط ضروری شهروندی را باز تولید می‌کند. شهروندی هویتی پویاست و شهروندان به عنوان کارگزاران خلاق همواره راه‌های جدیدی برای بیان شهروندی‌شان می‌یابند و برای شکل دادن به نیازها و آرزوهای در حال تغییر شهروند و جامعه، به حقوق، وظایف و نهادهای جدیدی نیاز خواهد بود (فالكس، ۱۳۸۱: ۱۳-۱۵).

شان شهروندی و حقوق و تکالیف مربوط بدان از مفاهیم اساسی زندگی دموکراتیک به شمار می‌رود. شهروندان از حیث حقوق و تکالیف با هم برابرند. در دموکراسی‌های باستانی یونان و روم شان شهروندی به معنی داشتن حقوق و تکالیف یکسان در نزد قانون و نیز مشارکت در امور سیاسی و عمومی جامعه بود. حق حکومت کردن و اطاعت از حکومت هر دو جزء شان شهروندی بودند؛ باین حال در آتن شان شهروندی تنها به مردهای آزاد، محدود می‌شد و بردگان از شمار شهروندی بیرون بودند. در امپراطوری روم شان شهروندی به عامه مردم و مردمان سرزمین‌های مغلوب بسط داده می‌شد. باین حال در روم شان شهروندی بیشتر به معنی منفی برخورداری از امنیت قانونی بود تا به معنی مثبت شرکت فعال در حیات عمومی جامعه. بعدها مفهوم شهروندی در ایتالیای عصر رنسانس احیا شد. به نظر متفکران دوره رنسانس فرد به عنوان تنها شهروند جامعه آزاد و خودمختار تحقق می‌یابد. مفهوم شهروندی در انقلاب فرانسه به نهایت شکوفایی خود رسید و در اعلامیه حقوق انسان و شهروندی در سال ۱۷۸۹ بروز کامل یافت.

ژان ژاک روسو مفهوم دقیق شهروندی را شیوه‌ای ایده‌آلیستی در ترجیح خیر و صلاح عمومی بر منافع خصوصی تعریف می‌کرد. شهروند واقعی کسی است که بتواند مصلحت عمومی را اراده کند، یعنی دارای "اراده عمومی" و "فضیلت مدنی" باشد. اما در قرن نوزدهم چنین رابطه‌ای میان مفهوم شهروندی و مصلحت عمومی از میان رفت و شهروندان به عنوان افرادی تلقی شدند که اساساً دارای اختلاف منابع و تعقیب خیر و صلاح خویشند. بنابراین شان شهروندی در عصر مدرن لازمه تأمین رفاه فردی تلقی شد، نه مصلحت عمومی و اجتماعی.

شأن شهروندی به مفهوم برخورداری از حقوق عمده‌ای چون آزادی بیان، برابری در نزد قانون، حق اجتماع و غیره بدون توجه به وضع طبقاتی، جنسی، نژادی و غیره، مفهوم رایج شهروندی در قرن نوزدهم بود، اما در قرن بیستم ظهور مفهوم "حقوق اجتماعی" مضمون شهروندی را گسترش بیشتری داد. منظور از حقوق اجتماعی برخورداری از خدمات اجتماعی، بهداشتی، آموزشی، تأمین اجتماعی و غیره است. بدین‌سان مفهوم شهروندی دیگر خصلت صرفاً حقوقی و سیاسی ندارد، بلکه مضمون اجتماعی و اقتصادی نیز یافته و بدین‌سان تعارضات سیاسی میان سرمایه‌داری و شأن شهروندان که اغلب مایه نگرانی طرف-داران دموکراسی بوده، تا اندازه‌ای کاهش پیدا کرده است.

برخی نویسندگان متأخر که بعنوان "هواداران اصالت جماعت" [۱] نامیده شده‌اند، بر مصلحت فردگرایانه و منفعت‌طلبانه مفهوم شهروندی مدرن ایراداتی وارد کرده‌اند، زیرا به نظر آن‌ها چنین مفهومی به نفی اندیشه مصلحت عمومی و فضیلت مدنی به معنای رایج در اندیشه دموکراسی (مثلاً روسو) می‌انجامد. از دیدگاه لیبرال‌ها، شهروندی عبارت است از توانایی افراد در تشکیل و تعقیب برداشت خودشان از مفهوم خیر و مصلحت بارعایت احترام برای برداشت دیگران از آن مفهوم. پس مفهوم خیر عمومی به معنای کلاسیک از بحث خارج است. اما از نظر طرف‌داران اصالت جماعت، مفهوم خیر عمومی به طور اساسی مقدم بر برداشت افراد از امیال و منافع خودشان است و شهروندی نیز اساساً به معنی توانایی برای تشخیص و رعایت خیر همگانی است. از سوی دیگر لیبرال‌ها برآنند که تصور خیر و صلاح عمومی، دارای مضامین و عناصر توتالیتری است و دموکراسی به معنای کثرت‌گرایی، با چنین تصویری سازش ندارد. در واقع جوامع سنتی و ماقبل دموکراتیک هم مبتنی بر چنان اندیشه‌ای از مصلحت عمومی بودند که در قالب مفاهیمی چون هویت دینی، ظاهر می‌شد. پس تأکید بر ضرورت توجه شهروندان به خیر و صلاح عمومی با اندیشه آزادی تباین دارد. جامعه دموکراتیک مدرن را نمی‌توان بر پایه برداشت واحدی از خیر و صلاح عمومی سامان داد. چنین برداشتی با مفهوم "فرد" در اندیشه دموکراتیک اساساً مغایرت دارد. از این رو مفهوم شهروندی به معنای کلاسیک با مفهوم فردیت در لیبرالیسم تعارض پیدا می‌کند (بشیریه، ۱۳۸۲: ۴۷).

تعریف عملیاتی برخورداری از حقوق شهروندی (متغیر مستقل)

حقوق شهروندی بخشی از حقوق اساسی یک شهروند است که در ابعادی چون حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی نمایان می‌شود. که در این پژوهش به دویعد احقاق حقوق (دستیابی و دسترسی به برخی حقوق) و احساس برخورداری از حقوق شهروندی (احساس آرامش ذهنی که در موقعیت‌های خاص امکان دستیابی به حقوق شهروندی وجود دارد) تقسیم شده است.

الف) احقاق حقوق شهروندی:

- دستیابی به شغل متناسب با تخصص و تمایل
- برخورداری از خدمات تأمین اجتماعی و انواع بیمه

- دست‌یابی به مسکن متناسب با نیاز خود و خانواده
 - برخورداری صحیح و انسانی کارمندان دولت در صورت مراجعه فرد به ادارات
 - میزان دسترسی به امکانات تفریحی و رفاهی (جزیره بازی، شهر بازی و ...)
 - میزان دسترسی به تئاتر و سینما
 - میزان دسترسی به کتابخانه‌های عمومی و سالن مطالعه
 - میزان دسترسی به فرهنگ‌سرا و سایر مراکز فرهنگی (موزه، انواع نمایشگاه‌ها، جشنواره‌ها و ...)
 - میزان دسترسی به امکانات ورزشی (انواع باشگاه‌ها، زمین‌های بازی و ...)
 - میزان دسترسی به کنسرت‌های موسیقی
 - میزان دسترسی به مراکز هنری و انواع کلاس‌های هنری
 - میزان دسترسی به کلاس‌های علمی (زبان، کامپیوتر و ...)
 - میزان دسترسی به امکانات بهداشتی و سلامت (مراکز درمانی، مشاوره سلامت و ...)
 - میزان دسترسی به فضای سبز، پارک و سایر فضاهای طبیعی.
- ب) احساس برخورداری از حقوق شهروندی
- تا چه حد احساس می‌کنید به خاطر پارتی بازی، در کسب فرصت‌ها و امکانات آموزشی، تفریحی، شغلی و... مورد تبعیض واقع شده‌اید و حق شما ضایع شده است.
 - به نظر شما نیروی انتظامی، پلیس ۱۱۰ و سایر ارگان‌های مرتبط تا چه حد در برقراری امنیت، فعال‌اند و از این نظر به چه میزان احساس امنیت می‌کنید، فکر می‌کنید تا چه حد قوه قضاییه در جهت برقراری عدالت گام بر می‌دارد و از این جهت، چه قدر امنیت خاطر دارید.
 - فضای عمومی شهر اصفهان را تا چه حد امن تصور می‌کنید و شما و خانواده‌تان به چه میزان با امنیت خاطر زندگی می‌کنید و یا احساس امنیت خاطر به گردش و تفریح می‌روید.
 - فکر می‌کنید تا چه حد امنیت شغلی (در صورت دارا بودن) دارید و از این بابت چه قدر آرامش خاطر دارید.
 - زمانی که در محافل رسمی و با حضور مسئولین قرار می‌گیرید، چه قدر احساس آزادی می‌کنید تا عقاید خود را در زمینه‌های متعدد بیان کنید.
 - اگر در جلسه‌ای باشید که مسئولین حضور داشته باشند، احساس می‌کنید تا چه حد آزادی تا رفتار و عملکرد آنان را نقد و بررسی کنید.

تعریف نظری و عملیاتی شادی (متغیر وابسته)

در بخشی از تعاریف مربوط به شادی کوشش شده است تا پدیده شادی با عام‌ترین تعبیرات و مفاهیم همانند کیفیت زندگی، بهزیستی درونی، سلامتی، سعادت (رفاه) و ... تبیین شود. مشکل عمده این بخش

از تعاریف آن است که اصطلاحات معنی دقیق و روشنی ندارند و برخی اوقات از آنان به عنوان یک تعریف کلی و چترگونه برای تمام زندگی و برخی اوقات دیگر برای یک صفت و مزیت خاص استفاده می‌شود. مثلاً اصطلاح بهزیستی از یک سو به کیفیت کلی زندگی دلالت دارد و از سوی دیگر برای ارزیابی جنبه‌های خاص زندگی همانند وضعیت مسکن یا فرصت‌های استخدام و ... بکار می‌رود یا مشابه آن واژه کیفیت زندگی از یک سو به بافت‌های کلی جامعه و از سوی دیگر به برخی از اجزاء جامعه اشاره می‌کند. (Vernhoven, 2000: 1-2).

در بخش دیگری از تعاریف، مفروضاتی نهفته است که به ارتباط شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه مربوط می‌شود زیرا از این نظر گاه چنین استدلال می‌شود که «لازم است آن چه را که مردم در مورد شادی فکر می‌کنند، منعکس شود تا از این طریق مفهوم شادی در آن فرهنگ مشخص شود و این به معنای آن است که مردم می‌توانند قضاوت کنند و تعبیری از مفهوم شادی در آن فرهنگ مشخص شود و این به معنای آن است که مردم می‌توانند قضاوت کنند و تعبیری از مفهوم شادی و مصادیق کیفیت زندگی را در قالب فرهنگی و ارزشی خویش ترسیم نمایند» (Lu, 2001: 408-409). و این به معنای آن است که تعریف شادی در جوامع و حتی مناطق، متناسب با قواعد اجتماعی و فرهنگی آن مناطق و جوامع متفاوت است و نمی‌توان از مفهوم شادی عمومی که در بردارنده ویژگی‌های مشترک باشد، صحبتی به میان آورد.

تعریف نظری شادی

زمانی که از شادی بعنوان یک احساس عریض و پهن^۱ یاد می‌شود اغلب مترادف با واژه کیفیت زندگی و یا بهزیستی یا سعادت (رفاه) است. بطوری که در آن معنا، هدف، ترسیم یک زندگی شایسته و نیکوست^۲. اگر چه در درون هر یک از لغات فوق نیز تقسیم‌بندی‌های متعدد شکل گرفته که به منظور آشنایی بیشتر و دست‌یابی به تعریفی منسجم‌تر، جامع‌تر و دقیق‌تر از شادی به دو نمونه از آن‌ها یعنی تقسیم‌بندی زف^۳ و وینهوون پرداخته می‌شود. زف پس از انجام برخی مطالعات تئوری و تجربی، به تقسیم‌بندی اصطلاح سعادت (رفاه) می‌پردازد و در این راستا معتقد است زمانی که شرایط زندگی یک فرد نمره خوب و قابل قبولی از نسخه‌های عینی و درونی (ذهنی) می‌گیرد، زندگی وی در حال پیشرفت و ترقی است که در این-جا می‌توان از شادی به معنای بهزیستی صحبت به میان آورد. زمانی که ارزیابی از هر دو نسخه فوق منفی است می‌توان صحبت از محرومیت^۴ کرد. هنگامی که کیفیت عینی زندگی مطلوب اما تکامل ذهنی و درونی منفی است اصطلاح ناهماهنگی یا حتی ناهنجاری^۵ مناسب است و در نهایت هنگامی که ترکیبی از شرایط

^۱. Broad sense

^۲. Good

^۳. Zapf

^۴. Deprivation

^۵. Dissonance

نامطلوب عینی و تکامل مطلوب ذهنی در زندگی مورد قضاوت است، واژه انطباق و سازگاری^۱ بکار می‌رود (Vernhoven, 2000: 4).

تعریف عملیاتی شادی

برای اندازه‌گیری شادی شیوه‌های گوناگونی به کار برده شده است. در اولین پژوهش‌ها برای سنجش آن، پرسش مستقیم «چقدر شاد هستید» به کار رفت. این پرسش دارای سه گزینه «خیلی شاد، تاحدی شاد و ناشاد» بود. گورین، وروف و فلد^۲ (۱۹۶۰) و برادبورن و کیلوویتز^۳ (۱۹۶۵) و بسیاری از بررسی‌های انجام شده برای اندازه‌گیری شادی از همین روش بهره گرفته‌اند. در این پژوهش شادی متشکل از سه بعد احساسی، شناختی و اجتماعی است و بر آن اساس گویه‌های سنجش شادی عبارتند از:

الف) بعد احساسی:

- من انسان فوق‌العاده خوشحالی هستم.
 - احساس می‌کنم آینده سرشار از امید و خوشحالی است.
 - احساس می‌کنم کنترل تمام جنبه‌های زندگی برایم ناممکن است.
 - احساس می‌کنم زندگی، سرشار از دلگرمی است.
 - از وضعیتی که در آن هستم احساس لذت فراوانی می‌کنم.
 - زندگی آن قدر ارزش ندارد که به آن عشق بورزم.
 - همواره با احساس راحتی از خواب بیدار می‌شوم.
 - به نظرم همه جهان و آن چه در آن است، بسیار زیباست.
 - از این که خودم هستم ناراضی‌ام و آرزو دارم مانند فرد دیگری باشم.
 - به طور کلی انسانی خوش‌بینم و وقایع و اتفاقات اطراف را با دیدی مثبت می‌نگرم.
- ب) بعد شناختی (رضایت از زندگی)
- زمانی که وضع خود را با پنج سال گذشته‌تان مقایسه می‌کنید، تا چه حد بهتر شده و چه قدر از این بابت احساس رضایت می‌کنید.

زمانی که وضع خودتان را با حالت ایده‌آل مقایسه می‌کنید، تا چه حد به آن چه که می‌خواسته‌اید، رسیده‌اید.

زمانی که وضع خودتان را با دیگران که هم ردیف شما بوده‌اند، مقایسه می‌کنید، تا چه حد از آن‌ها جلوترید.

- به چه میزان از شغل‌تان (در صورت دارا بودن)، احساس رضایت می‌کنید و به آن عشق می‌ورزید.

^۱. Adaption

^۲. Gurin, Veroff & Fled

^۳. Caplovitz

- تا چه حد از درآمد شغلی خود (در صورت دارا بودن)، راضی هستید.
- با توجه به شرایط موجود، احساس می‌کنید به چه میزان به اهدافی که در زندگی دارید، می‌رسید.
- تا چه حد از میزان و کیفیت تغذیه خود و خانواده‌تان راضی هستید.
- از وضعیت مسکن خود تا چه حد احساس رضایت می‌کنید.
- فکر می‌کنید تا چه حد همسرتان (در صورت دارا بودن) واقعاً شما را درک می‌کند و به شما اهمیت می‌دهد.
- اگر قرار باشد دوباره انتخاب کنید، چه قدر احتمال دارد همسر فعلی‌تان (در صورت دارا بودن) را انتخاب کنید.

ج) بعد اجتماعی

- به انسان‌های دیگر، علاقه داشته و آن‌ها را دوست می‌دارم.
- همواره، تأثیر خوبی روی وقایع اطراف و انسان‌های دور و برم دارم.
- فردی شوخ طبعم و همیشه با دیگران شوخی می‌کنم.
- همیشه می‌خندم و یا تبسم می‌زنم.
- پس از انفاق‌های ناخوشایند، کمتر عصبی شده و زود به حالت عادی بر می‌گردم.
- به چه میزان دوست دارید در میهمانی‌ها و جشن‌هایی که همسایگان و یا آشنایان ترتیب می‌دهند شرکت کنید.
- به چه میزان دوست دارید در میهمانی‌ها و جشن‌هایی که اقوام و یا دوستان ترتیب می‌دهند شرکت کنید.

یافته‌های پژوهش

یکی از متغیرهایی که در پژوهش حاضر مورد توجه بوده و گمان بر آن است که بتواند تفاوت‌های جامعه آماری را بر اساس میزان احساس شادی تبیین کند، متغیر سن است که در جدول زیر توزیع افراد بر اساس آن را می‌توانیم شاهد باشیم.

جدول شماره (۱): توزیع فراوانی افراد بر حسب سن

سن	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
۱۵-۱۸	۱۰۲	۵۱,۰	۵۱,۳	۵۱,۳
۱۸-۲۱	۲۲	۱۱,۰	۱۱,۱	۶۲,۳
۲۱-۲۵	۷۵	۳۷,۵	۳۷,۷	۱۰۰,۰
جمع	۱۹۹	۹۹,۵	۱۰۰,۰	
نامعتبر	۱	۰,۵		
جمع کل	۲۰۰	۱۰۰,۰		

متغیر تحصیلات یکی دیگر از متغیرهای زمینه‌ای ما در این پژوهش است که توزیع افراد جامعه را بر اساس این متغیر می‌توانیم در جدول زیر ببینیم.

جدول شماره (۲): توزیع افراد بر حسب سطح تحصیلات

تحصیلات	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
ابتدایی	۱	۰/۵	۰/۵	۰/۵
راهنمایی	۱۶	۰/۸	۰/۸	۸/۵
دبیرستان و	۱۰۶	۵۳/۰	۵۳/۰	۶۱/۵
دیپلم	۲۵	۱۲/۵	۱۲/۵	۷۴/۰
فوق دیپلم	۴۵	۲۲/۵	۲۲/۵	۹۶/۵
کارشناسی	۷	۳/۵	۳/۵	۱۰۰/۰
کارشناسی ارشد	۲۰۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	
جمع				

در جدول زیر، توزیع فراوانی افراد را بر اساس یکی از متغیرهای زمینه‌ای دیگر یعنی وضعیت تأهل شاهد هستیم.

جدول شماره (۳): توزیع فراوانی افراد بر حسب وضعیت تأهل

متغیر	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
مجرد	۱۷۲	۸۶/۰	۸۶/۰	۸۶/۰
متاهل	۲۷	۱۳/۵	۱۳/۵	۹۵/۵
طلاق واقع شده	۱	۰/۵	۰/۵	۱۰۰/۰
جمع	۲۰۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	

جدول شماره (۴): توصیف شادی و ابعاد آن

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
بعد شناختی	۲۰۰	۵۶/۶۴	۱۶/۷۸
بعد احساسی	۲۰۰	۵۱/۸۳	۱۸/۹۴
بعد اجتماعی	۲۰۰	۵۵/۶۱	۱۷/۱۲
شادی	۲۰۰	۵۴/۵۳	۱۴/۱۹

همان گونه که جدول فوق نشان می‌دهند میانگین شادی در بین زنان جوان (۲۴-۱۵) شهر اصفهان ۵۴/۵۳ با انحراف استاندارد ۱۴/۱۹ است که در تقسیم‌بندی شادی به سه قسم بالا، متوسط و پایین، ۷/۳ درصد از زنان جوان دارای شادی پایین، ۷۱/۴ درصد دارای شادی متوسط و ۲۱/۳ درصد دارای شادی بالا هستند.

- توزیع پاسخگویان به گویه‌های حقوق شهروندان

همان گونه که قبلاً توضیح داده شد حقوق شهروندی از دویبخش کلی تشکیل شده است. اولین بخش آن، احقاق حقوق است که فرد یا به آن‌ها عملاً دست یافته و یا به آن امکانات و فرصت‌ها دسترسی داشته و امکان دست یافتن به آن‌ها وجود دارد و دوم احساسی است که یک نوع آرامش ذهنی برای فرد به وجود

می‌آورد و در سایه آن فرد چنین تصور می‌کند که برابری، عدالت، امنیت، آزادی بیان و عقیده، آزادی مشارکت یا عدم مشارکت و ... در جامعه حکمفرماست و از این رو می‌تواند به انواع حقوق خود در صورت نیاز دست یابد. نحوه پاسخ افراد مورد مطالعه به صورت زیر است.

جدول شماره (۵): توزیع پراکندگی حقوق شهروندان و ابعاد آن

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
احساسی	۲۰۰	۵۲/۷۲	۱۵/۹۳
احقایی (دستیابی و دسترسی)	۲۰۰	۵۱/۶۱	۱۸/۷۱
کل حقوق	۲۰۰	۵۷/۶۸	۱۳/۶۳

براساس اطلاعات جدول بالا میانگین برخورداری از حقوق شهروندی در بین زنان جوان شهر اصفهان، ۵۷/۶۸ با انحراف استاندارد ۱۳/۶۳ است. این متغیر در دو بعد احقایی و احساسی مورد توجه واقع شده، بطوری که در بعد احقایی درمؤلفه دستیابی به حقوق و میزان دسترسی به برخی امکانات و فرصت‌ها و در بعد احساسی، احساس برخورداری از حقوق شهروندی در موقعیت‌های متعدد، بررسی گردیده است. میانگین بعد احقایی حقوق شهروندی ۵۱/۶۱ با انحراف استاندارد ۱۸/۷۱ است و میانگین بعد احساسی آن ۵۲/۷۲ با انحراف استاندارد ۱۵/۹۳ می‌باشد.

- حقوق شهروندی و شادی

در جدول همبستگی پیرسون بین برخورداری سرپرستان خانوار از حقوق شهروندی (احقاق حقوق و احساس برخورداری از حقوق) و میزان شادی آن‌ها رابطه وجود دارد ($r=0/000$ و $p=0/398$). به طوری که رابطه حقوق شهروندی با بعد شناختی شادی قوی‌تر از سایر ابعاد است (۰/۴۵۹). از طرف دیگر بعد احقاق بیش از احساس آن بر شادی زنان جوان اثرگذار است (۰/۴۰۲ در برابر ۰/۳۰۴) و ارتباط هر دو بعد حقوق شهروندی با بعد شناختی شادی قوی‌تر از سایر ابعاد شادی است (۰/۴۵۱ و ۰/۳۲۶). در مجموع هرچه میزان برخورداری زنان جوان شهر اصفهان از حقوق شهروندی بیشتر باشد، بر میزان شادی آنان نیز افزوده می‌شود.

جدول شماره (۶): همبستگی شادی و برخورداری از حقوق شهروندی

متغیر	وابسته		
	بعد احساسی	بعد شناختی	بعد اجتماعی
مستقل احقاق حقوق	۰/۳۰۵	۰/۴۵۱	۰/۱۸۵
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰
احساس حقوق	۰/۲۳۹	۰/۳۲۶	۰/۱۵۰
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱
	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰
حقوق شهروندی	۰/۲۸۸	۰/۴۵۹	۰/۱۸۵
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰

نتیجه‌گیری

میانگین شادی در بین زنان جوان (۲۴-۱۵) شهر اصفهان ۵۴/۵۳ با انحراف استاندارد ۱۴/۱۹ است که در تقسیم‌بندی شادی به سه قسم بالا، متوسط و پایین، ۷/۳ درصد از زنان جوان دارای شادی پایین، ۷۱/۴ درصد دارای شادی متوسط و ۲۱/۳ درصد دارای شادی بالا هستند. همان گونه که قبلاً توضیح داده شد، شادی در پژوهش حاضر از سه بعد مورد بررسی قرار گرفت؛ در بعد احساسی کمترین مقدار پاسخگویی مربوط به احساس خوشحالی و احساس لذت از وضعیت موجود است و بیشترین آن به سئوالات احساس زیبا دیدن جهان و آنچه در آن است و احساس افتخار به خود مربوط می‌شود. میانگین بعد احساسی شادی، ۵۱/۸۳ با انحراف استاندارد ۱۸/۹۴ است که در مقایسه با ابعاد دیگر، رقم بالاتری به خود اختصاص داده است. در بعد شناختی (رضایت از کلیت زندگی و بخش‌های آن) کمترین مقدار مربوط به رضایت از کلیت زندگی در اثر قیاس با گذشته فرد، حالت ایده‌آل، دیگران هم ردیف در سابق و درآمد فعلی است و درآمد فعلی است و بیشترین مقدار به رضایت از همسر و کیفیت و میزان تغذیه مربوط می‌شود. هم‌چنین میانگین بعد شناختی ۵۶/۶۴ با انحراف استاندارد ۱۶/۷۸ است که در مقایسه با ابعاد دوگانه دیگر، رتبه سوم را به خود اختصاص داده است. در بعد اجتماعی نیز بالاترین میزان پاسخگویی مربوط به سئوالات علاقه به انسان‌های دیگر و دوست داشتن آن‌ها و تأثیرگذاری نسبت به انسان‌های دیگر و کمترین آن مربوط به گویه‌های علاقه به شرکت در جشن‌ها و میهمانی‌های همسایگان و آشنایان و کنترل ناراحتی هنگام بروز اتفاقات ناخوشایند در برخورد با دیگران دیده می‌شود. میانگین بعد اجتماعی شادی ۵۵/۶۱ با انحراف استاندارد ۱۷/۱۲ می‌باشد که رتبه دوم را بخود اختصاص داده است. در انحراف استاندارد ابعاد متعدد شادی نشان می‌دهد که بیشترین نابرابری شادی در بعد احساسی، سپس بعد اجتماعی و در نهایت بعد شناختی است.

میانگین برخورداری از حقوق شهروندی در بین زنان جوان شهر اصفهان، ۵۷/۶۸ با انحراف استاندارد ۱۳/۶۳ است. این متغیر در دو بعد احقاقی و احساسی مورد توجه واقع شده، بطوری که در بعد احقاقی در مؤلفه دست‌یابی به حقوق و میزان دسترسی به برخی امکانات و فرصت‌ها و در بعد احساسی، احساس برخورداری از حقوق شهروندی در موقعیت‌های متعدد، بررسی گردیده است. میانگین بعد احقاقی حقوق شهروندی ۵۱/۶۱ با انحراف استاندارد ۱۸/۷۱ است و میانگین بعد احساسی آن ۵۲/۷۲ با انحراف استاندارد ۱۵/۹۳ می‌باشد به طوری که نابرابری در احقاق حقوق بیشتر از احساس آن در زنان جوان است. در بعد احساسی کمترین میانگین مربوط به احساس آزادی در نقد رفتار و عملکرد مسئولین در محافل رسمی، احساس آزادی عقیده و بیان به ویژه در محافل رسمی و احساس امنیت شغلی است و بیشترین میانگین احساس عدم برابری در کسب امکانات متعدد در جامعه می‌باشد. در بعد احقاقی نیز در مؤلفه دست‌یابی، کمترین مقدار، برخورداری از خدمات تأمین اجتماعی و انواع بیمه مربوط می‌شود. هم‌چنین در مؤلفه دسترسی نیز کمترین میزان مربوط به دسترسی افراد به کنسرت‌های موسیقی، تئاتر و سینما و مراکز هنری و بیشترین میزان مربوط به فضای سبز و سایر فضاهای طبیعی است.

در رابطه بر خورداری از حقوق شهروندی و شادی ارتباطی مستقیم است. به طوری که در این رابطه، بر خورداری از حقوق شهروندی ابتدا با بعد شناختی و سپس با بعد احساسی و در نهایت با بعد اجتماعی شادی قوی‌تر است. از سوی دیگر بعد احقاق حقوق بیش از احساس آن، بر شادی زنان جوان اثرگذار است و در هر دو بعد احقاق و احساس ارتباط با بعد شناختی و سپس با بعد احساسی و در نهایت بعد اجتماعی شادی قوی‌تر است. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های اندیشمندان چون هالر و هادلر، ویمکالمیجن، داینرولوکاس، تکاچ و لیوبومیراسکی، سن، زیمل، وینهوون، هال و جونز، کنت، مارتین، مزلو، گراهام و فلتن، کلارک و ... نیز همخوانی دارد.

منابع

- آرگایل، م. (۱۳۸۳). **روان‌شناسی شادی**. ترجمه: مسعود گوهری‌انارکی و دیگران. اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- آل‌یاسین، م. (۱۳۸۰). **شادی و نشاط در محیط مدرسه**. تربیت، شماره ۱.
- بشیریه، ح. (۱۳۸۲). **آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی)**. تهران: انتشارات نگاه معاصر. چاپ سوم.
- شیانی، م. (۱۳۸۱). **شهروندی و رفاه اجتماعی**. فصلنامه رفاه اجتماعی. سال اول، شماره ۴.
- طاهریان، م. (۱۳۸۱). **چرا شادی از جامعه ما رخت بر بسته است**. روزنامه اعتماد: ۸۱/۱۰/۲۱.
- طریقه‌دار، ا. (۱۳۷۹). **شرع و شادی**. قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی حضور.
- عیدی، و. (۱۳۸۶). **تبیین جامعه‌شناختی آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه اصفهان)**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان.
- فالكس، ک. (۱۳۸۱). **شهروندی**. ترجمه: محمدتقی دلفروز. تهران: انتشارات کویر.
- کاستلز، ا؛ و دیگری. (۱۳۸۲). **مهاجرت و شهروندی**. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کانت، ا. (۱۳۸۰). **فلسفه حقوق**. ترجمه: منوچهر صانعی دره‌بیدی. تهران: انتشارات نشر نقش و نگار.
- کیانپور، م. (۱۳۸۵). **بررسی رابطه کیفیت زندگی و احساسات اجتماعی در شهر اصفهان**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان، بخش اسناد دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- کیانپور، ک. (۱۳۸۵). **بررسی رابطه عوامل اجتماعی - فرهنگی با میزان آگاهی معلمان از حقوق شهروندی در شهر بروجن**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان.
- مظفر، ح. (۱۳۷۹). **اثر نشاط روحی بر شکوفایی خرد**. تربیت. شماره ۷.
- نقی‌زاده، م. (۱۳۸۱). **نظریه شهروندی در فرهنگ و تمدن ایران**. اطلاعات سیاسی - اقتصادی. شماره ۱۸۴.
- هاشمیان‌فر، ج. (۱۳۸۶). **بررسی عوامل مؤثر بر نابرابری اجتماعی با تأکید بر سرمایه اجتماعی**. پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان.

- Mayers, D. (2000). **The friends and faith of happy people**. American psychologist, 55-56.
- Veenhoven, R, & W. Kalmijn. (2005). **Inequality adjusted happiness in nation: Egalitarianism and utilitarianism**. *Journal of happiness studies*. 6: 421,455.
- Veenhoven, R. (2000). **The four quality of life: ordering concepts and measures of good life**. *Journal of Happiness studies*. 1: 1-39.
- Veenhoven, R. (2005). **Return of inequality in modern society. test by dispersion of life satisfaction across time and nations**. *Journal of Happiness Studies*. 6: 457-487 .